

شیریں
مخلو

بروایت عبد الطیف تاجر

عنوان قراردادی	: الف لیله و لیله. فارسی
عنوان و نام پدیدآور	: هزار و یک شب/عبداللطیف تسوجی
مشخصات نشر	: تهران: الپام، ۱۳۸۸
مشخصات ظاهری	: ۲ ج
شابک	: دوره: ۷-۴۰۰-۵۰۷۷-۶۰۰-۹۷۸ ج: ۱-۱-۲۹-۵۰۷۷-۶۰۰-۹۷۸ ج: ۲-۴-۲۸-۵۰۷۷-۶۰۰-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی: فیپا	
موضوع	: ادبیات عربی - ۱۳۲-۳۳۴ ق - ترجمه شده به فارسی
موضوع	: داستان‌های عربی
موضوع	: داستان‌های عاشقانه عربی
شناسه افزوده	: تسوجی تبریزی، عبداللطیف، قرن ۱۳ ق، مترجم
رده بندی کنگره	: پ ۱۳۸۸ ۵۱/۱۱۳۴۴۸ PJA
رده بندی دیویی	: ۸۹۲-۷۳۳۴
شماره کتابشناسی ملی	: ۱۹۱۶۴۲۹



هزار و یک شب

عبد اللطیف توحی

جلد اول

نویت چاپ: اول ۱۳۸۹

حروفچینی: شبنم کلاهدوز

شمارگان: ۳۰۰۰ دوره

لبنوگرافی و رانقش چاپ: پیام

شابک جلد اول: ۱-۳۹-۵۰۷۷-۶۰۰-۹۷۸

شابک دوره: ۷-۴۰-۵۰۷۷-۶۰۰-۹۷۸

حق چاپ این نسخه محفوظ و مخصوص ناشر است

تهران: میدان انقلاب - خیابان فروردین - خیابان وحید نظری شماره ۹۶

مرکز بخش: کتاب تلال: تلفن: ۶۶۴۸۷۶۷۱-۶۶۴۶۸۰۰۴

قیمت دوره: ۳۵۰۰۰ تومان

عنوان

صفحه

سخن ناشر.....	۱۱
حکایت شهر باز و برادرش شاه زمان.....	۱۳
حکایت دهقان و خرش.....	۱۶
حکایت بازرگان و عفریت.....	۱۸
حکایت پیر و غزال.....	۱۹
حکایت پیر دوم و دو سگش.....	۲۱
حکایت پیر و استر.....	۲۲
حکایت صیاد.....	۲۳
حکایت ملک یونان و حکیم رویان.....	۲۶
حکایت ملک سند باد.....	۲۸
حکایت وزیر و پسر پادشاه.....	۲۹
باقی حکایت صیاد.....	۳۲
حکایت حمال با دختران.....	۴۱
حکایت گدای اول.....	۴۹
حکایت گدای دوم.....	۵۲
حکایت گدای سوم.....	۵۹
حکایت بانو با دو سگش.....	۶۲
حکایت دختر تازیانه خورده.....	۶۶
حکایت غلام دروغ گو.....	۷۰
حکایت نورالدین و شمس الدین.....	۷۴
حکایت خیاط و احدب و یهودی و مباشر و نصرانی.....	۹۸
حکایت نصرانی.....	۱۰۲

حکایت بازرگان و زرباجه.....	۱۱۰
حکایت طبیب یهودی.....	۱۱۴
قصه‌ی عاشق و دلاک.....	۱۱۹
حکایت شیخ خاموش و برادرانش.....	۱۲۸
حکایت اعرج.....	۱۲۹
حکایت بقیق.....	۱۳۱
حکایت کور.....	۱۳۳
حکایت اعور.....	۱۳۵
حکایت بی‌گوش.....	۱۳۸
حکایت مرد لب‌بریده.....	۱۴۲
حکایت دو وزیر.....	۱۴۷
حکایت ایوب و فرزندان.....	۱۷۱
حکایت صواب، غلام اول.....	۱۷۳
حکایت کافور، غلام دوم.....	۱۷۴
حکایت ملک نعمان و فرزندان او شرکان و ضوء المكان.....	۱۸۹
حکایت تاج‌الملوک.....	۳۰۲
باقی حکایت ضوء المكان.....	۳۶۴
حکایت عاشق حشیش کشیده.....	۳۹۱
حکایت خیانت اعرابی.....	۳۹۹
حکایات حیوانات.....	۴۰۶
حکایت شبان و فرشته.....	۴۱۴
حکایت مرغابی و سنگ‌پشت.....	۴۱۶
حکایت روباه و گرگ.....	۴۱۸
حکایت موش و سموره.....	۴۲۸
حکایت کلاغ و گربه.....	۴۲۹
حکایت روباه و کلاغ.....	۴۲۹
حکایت خارپشت و قمری.....	۴۳۳
حکایت بوزینه و دزد.....	۴۳۵
حکایت گنجشک و طاووس.....	۴۳۶
حکایت علی بن بکار و شمس‌النهار.....	۴۳۷

۴۷۰	حکایت ملک شهرمان و قمرالزمان
۵۵۶	حکایت نعمت و نعم
۵۷۳	باقی حکایت قمرالزمان
۵۷۷	حکایت علاءالدین ابوالشامات
۶۲۱	حکایت کریمان / حکایت حاتم و ذوالکراع
۶۲۳	حکایت کرم معین زانده
۶۲۵	حکایت تسلط اعراب بر اندلس
۶۲۶	حکایت هشام و کودک
۶۲۸	حکایت ابراهیم بن مهدی و مأمون
۶۳۳	حکایت ارم ذات المعاد
۶۳۷	حکایت اسحق موصلی و مأمون
۶۴۲	حکایت زیال و خاتون
۶۴۶	حکایت محمد جواهر فروش و دختر یحیی برمکی
۶۵۹	حکایت انبان علی عجمی
۶۶۲	حکایت هارون و کنیزک
۶۶۳	حکایت جوان کریم
۶۶۷	حکایت کرم جعفر برمکی
۶۶۸	حکایت هارون الرشید و ابو محمد تنبل
۶۸۱	حکایت کرم یحیی برمکی
۶۸۳	حکایت کرم برامکه
۶۸۵	حکایت مضرت شراب
۶۸۷	حکایت علی بن مجدالدین و کنیزک
۷۱۲	حکایت جبیر بن عمیر و نامزدش
۷۲۳	حکایت خداوند شش کنیز
۷۳۱	حکایت پدیده گویی ابونواس
۷۳۴	حکایت بخشش سگ
۷۳۶	حکایت عیار جوان مرد
۷۳۸	حکایت سه واقعه‌ی عجیب
۷۴۰	حکایت عیار و اقرار او
۷۴۱	حکایت علاءالدین و دزد

۷۴۲	 حکایت ابراهیم بن مهدی
۷۴۵	 حکایت زن صدقه دهنده
۷۴۷	 حکایت عابد و فایده‌ی صدقه
۷۴۸	 حکایت ابو حسان زیادی
۷۵۰	 حکایت کرم گوهر فروش
۷۵۱	 حکایت خواب عجیب
۷۵۲	 حکایت مطابقت دو خواب
۷۵۳	 حکایت عشق به خرس
۷۵۶	 حکایت اسب آبنوس
۷۷۳	 حکایت وردالاکمام و انس الوجود
۷۸۹	 حکایت هارون و ابونواس
۷۹۰	 حکایت کنیز و خواجه
۷۹۱	 حکایت تأثیر عشق
۷۹۲	 حکایت دو همدرس
۷۹۳	 حکایت متلمس شاعر
۷۹۴	 حکایت هارون الرشید و زبیده
۷۹۵	 حکایت هارون الرشید و شعرا
۷۹۶	 حکایت مصعب و عایشه
۷۹۷	 حکایت ابوالاسود
۷۹۷	 حکایت مضرت نبوشیدن راز
۷۹۸	 حکایت خرابله
۷۹۹	 حکایت حاکم بامرالله و مهمان‌دارش
۸۰۰	 حکایت انوشیروان و دختر دهاتی
۸۰۱	 حکایت مکافات عمل
۸۰۲	 حکایت تدبیر زن
۸۰۳	 حکایت کرم یحیی برمکی
۸۰۴	 حکایت امین و کنیز جعفر
۸۰۵	 حکایت سعید بابلی و برامکه
۸۰۶	 حکایت معجزه دانیال
۸۰۷	 حکایت پاداش طبابت

حکایت عمر و صاحبان خلق نکو.....	۸۰۸
حکایت اهرام مصر.....	۸۱۰
حکایت دزد مغبون.....	۸۱۱
حکایت تقسیم جایزه.....	۸۱۳
حکایت خلیفه زاده پرهیزکار.....	۸۱۴
حکایت آموزگار کم عقل.....	۸۱۴
حکایت ثبوت حماقت آموزگار.....	۸۱۹
حکایت آموزگار نادان.....	۸۲۰
حکایت تأثیر کتاب.....	۸۲۱
حکایت عبدالله مغربی.....	۸۲۲
حکایت عدی بن زید.....	۸۲۴
حکایت دعبیل خزاعی.....	۸۲۶
حکایت اسحق موصلی و مغینه.....	۸۲۸
حکایت اول عشاق.....	۸۳۱
حکایت دوم عشاق.....	۸۳۲
حکایت سوم عشاق.....	۸۳۳
حکایت عاشق معصوم.....	۸۳۴
حکایت ابوعیسی و قره العین.....	۸۳۸
حکایت امین و کنیزک.....	۸۴۳
حکایت تأثیر عشق.....	۸۴۴
حکایت عجوز.....	۸۴۴
حکایت مونس کنیز.....	۸۴۵
حکایت گفتار زن.....	۸۴۵
حکایت علی مصری.....	۸۴۶
حکایت عجوز پرهیزکار.....	۸۶۲
حکایت کنیز بی نظیر.....	۸۶۳

بسم الله الرحمن الرحيم

سخن ناشر

سپاس و ستایش مرخدای را جلّ جلاله، که آثار قدرتش، و انوار حکمتش را، در فطرت و کاینات پدید آورد، و آدمیان را به فضیلت نطق و مزیت عقل از دیگر حیوانات متمیز گردانید. و برای هدایت و ارشاد انسان رسولان فرستاد تا انسان‌ها را از تاریکی و جهل و گمراهی نجات دهد، و ایشان صحن گیتی را به نور علم و معرفت آذین بستند، و سلام و صلوات بر آخرین رسول و پیامبر حضرت سید المرسلین و خاتم النبیین ابوالقاسم محمد بن عبدالله (ص) که درود بی پایان و سلام و تحیت و صلوات حضرت حق به ذات معظم و روح مقدس و اهل بیت او باد.

و اما بعد، یکی از شگفت‌انگیزترین داستان‌های دنیا، کتاب هزار و یک شب است. آن‌چه باید در مورد کتاب هزار و یک شب گفته شود این است که این مجموعه تشکیل شده از صدها داستان و قصه متفاوت که از زبان انسان و جن و دد و دام سخن می‌گوید و خیلی از آن‌ها هیچ به واقعیت نزدیک نمی‌باشد، چراکه اساساً قصه جز خیال نیست، اگر جز این بود قصه گفته نمی‌شد.

کتاب هزار و یک شب شب قصه‌ی ایرانی است که در صدها سال پیش نگارش شده که از دنیایی تماماً خیال و وهم‌انگیز سخن می‌گوید و هیچ وجود خارجی ندارد. از دنیایی سخن می‌گوید که تماماً از سحر و جادو و طلسم گذر می‌کند و خواننده را در هاله‌ای از ابهام فرو می‌برد و به این فکر می‌کند که این چیزها متعلق به دنیای او نمی‌باشد.

هزار و یک شب در عین حال که از یک دنیای خیالی می‌باشد آن قدر جذاب و شیرین است که خواننده را جذب خود کرده و تصور می‌کند که خود اوست که دارد آن مسیر را طی می‌کند. از ویژگی‌های هزار و یک شب این است که با همه‌ی خیالی بودنش درس‌های اخلاقی در زمینه‌های مختلف به خواننده می‌آموزد، درس‌هایی که در دنیایی از پاکی و ناپاکی، زشتی و زیبایی، خوبی و بدی، گریه و خنده، سفیدی و سیاهی، ظلم و مهربانی، صداقت و نیرنگ و ... حاصل می‌شود. همه‌ی این‌ها کوششی است برای جدا کردن نور از ظلمت، که نور آن فضایل اخلاقی است و ظلمت آن شر و رذیلت و پلیدی و سیاهی.

یکی از نکات مهم اخلاقی که در این کتاب آمده است این است که برای هر انسانی که بخواهد به قلّه‌ی سعادت برسد، این امید است که می‌تواند پاور و همراه او باشد نه ناامیدی که گناهی بزرگ است و آدمی را از نور و روشنایی دور نگه می‌دارد. بیشتر داستان‌ها و قصه‌های هزار و یک شب با امید به خدا و توکل داشتن بر او، به پایان می‌رسد.

هزار و یک شب به خواننده می‌آموزد که غیر ممکن، ممکن می‌شود. آدمی باید با تلاش و خرد و زیرکی و هوش‌مندی و توانایی، از راه‌های پر پیچ و خم عبور کند تا به مقصود برسد و آنچه را که آرزویش را دارد، به دست آورد.

می‌توان به یکی دیگر از نکات مهم اخلاقی این مجموعه‌ی با ارزش اشاره کرد که درس زندگی زن‌شویی می‌آموزد. بسیار زنان هستند که با یک دنیا پاکدامنی و دور از پلیدی و زشتی زندگی را آغاز می‌کنند و با محبت و عشق به پایان می‌برند، که عشق خود درس بزرگی است. اما برخی از زنان هستند که زندگی را با زشتی و مکر و حيله شروع می‌کنند که این شروع، پایانی غم‌انگیز و مصیبت‌بار به دنبال دارد.

از ویژگی‌های این اثر پرارزش و بیاد ماندنی آوردن ضرب‌المثل‌های فارسی و حکمت عامیانه است که در میان ایرانیان متداول می‌باشد که خود هر کدام درسی بزرگ است که اگر بخواهیم تمامی این گفته‌ها و پند و اندرزهایی را که در قصه‌ها آمده است بیاوریم خود کتابی می‌شود، به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

هر که ستم کند خسران برد. هر که نادان باشد پشیمان گردد. هر کس در کساری شتاب کند پشیمان گردد. چنان نیست که هر دانشمند به سبب علم و دانش از آسیب دهر سالم بماند و هر نادان از جهل به محنت گرفتار شود. آدمی را از زبان زیان رسد و زیان است که شخص را به هلاکت اندازد. با سگ نفس خود چنان کن که پیر تو باشد. هیچ مال بهتر از عقل نیست. هیچ عقل بهتر از تدبیر نیست و هیچ تدبیر بهتر از پرهیزگاری نیست. ادب جمع کمالات است. خدا را نگاه دار تا خدا تو را نگاه دارد. مال خود را ضایع مکن که اگر ضایع کنی تو را به فرومایگان حاجت افتد.

همانطور که اشاره شد اگر بخواهیم تمامی پند و اندرزهای این اثر خوب و خواندنی را متذکر شویم خود کتابی می‌شود. به همین مقدار بسنده شد.

فسبحان من لا یموت و هو الغفور الرحیم.